



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



دلائل ذکر شهادت

بر ولایت علی علیه السلام

در اذان و اقامه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دلایل ذکر شهادت بر ولایت علی در اذان و اقامه

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	دلایل ذکر شهادت بر ولایت علی در اذان و اقامه
۶	مشخصات کتاب
۶	پرسش
۶	پاسخ
۶	اشاره
۶	نکته ۰۱
۶	نکته ۰۲
۶	نقد پاسخ
۷	اشاره
۷	جواب نقد
۹	نتیجه
۹	پاورقی
۱۰	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

دلائل ذکر شهادت بر ولایت علی در اذان و اقامه

مشخصات کتاب

پرسش

چرا شیعیان در اذان و اقامه شهادت به ولایت علی(ع) می گویند؟ آیا دلائل روائی یا قرآنی وجود دارد؟ منبع پاسخ: پایگاه حوزه ۵۶۰۴، ۵۶۰۴

پاسخ

اشاره

پیرامون سؤال شما توجه به نکات ذیل حائز اهمیت است:

نکته ۰۱

در روایاتی چند آمده است که شهادت ثالثه و آوردن نام علی(ع) بعد از لا اله الا الله و محمدا رسول الله با خلقت آسمانها و زمین عرش و کرسی و... توأم بوده است. الف- امام صادق(ع) فرموده است که: خداوند تعالی بعد از خلقت آسمانها و زمین امر فرمود که منادی به این سه شهادت ندا دهد. [۱]. ب- در حدیثی دیگر آن امام همام(ع) فرموده است که: خداوند با خلق عرش و کرسی و... بر آنها نوشت لا اله الا الله محمد رسول الله علی امیر المؤمنین و آنگاه فرمود: (فاذا قال احدکم لا اله الا الله محمد رسول الله فلیقل علی امیر المؤمنین ولی الله) [۲].

نکته ۰۲

از بعضی از روایات نبوی استفاده می شود که: ذکر امام علی(ع) بعد از ذکر خدا و حضرت رسول(ص) چه در اذان باشد یا غیر اذان جایز است و در نزد خدا محبوبیت دارد [۳]. در این جا ممکن است سؤال شود پس چرا خود پیامبر(ص) آن را در اذان نیاورده است؟ در جواب می توان گفت که: اولاً: تقیه اقتضاء می کرده است که نام علی(ع) در اذان نیاید همان طوری که اقتضاء می کرده است در قرآن به این نام تصریح نشود. ثانیاً: در کتاب السلافة فی امر الخلافة آمده است که سلمان فارسی در اذان خود شهادت ثالثه را اضافه نمود و همین موجب شد که بعضی از صحابه به نزد پیامبر شکایت ببرند ولی پیامبر(ص) به اعتراض آنها توجهی ننمود و مهر تأیید بر کار سلمان زد و هم چنین در این کتاب آمده است که بعد از واقعه غدیر اباذر غفاری در اذان خود بعد از شهادتین به ولایت امیر مؤمنان علی(ع) شهادت داد، جمعی از منافقین این را نپسندیدند و آن چه را دیده بودند، به عنوان اعتراض بر پیامبر(ص) عرضه کردند پیامبر(ص) فرمود: (اما وعیتم خطبتی یوم الغدیر لعلی بالولایه، پس چه بود معنای خطبه طولانی من که در آن صحرا و گرمای شدید برای شما خواندم آیا معنای آن غیر از این بود که علی امیر المؤمنین ولی خداست؟) و در ادامه فرمود: مگر نشنیده اید که من گفتم آسمان سایه نیافکنده و زمین در خود جای نداده، کسی را که راستگو تر از ابی ذر باشد و آنگاه سرانجام آن گروه معترض را بر ملا نمود و فرمود: (انکم لمنقلبون بعدی علی اعقابکم). [۴].

نقد پاسخ

اشاره

ممکن است شما دیدگاه ما را این گونه نقد کنید که: اولاً: تقیه قابل اثبات نیست پس به روایاتی که در آن، صورتِ اذان نقل شده است اما بدون شهادت ثلثه [۵] عمل می شود. ثانیاً: در سند روایاتی که نقل کرده اید مناقشه می شود که: الف- روایت امام صادق(ع) را که فرمود: (فلیقل علی(ع) امیرالمؤمنین ولی الله) کسی نقل نکرده مگر احتجاج طبرسی و احتجاج طبرسی کتابی است که غالب اخبار و روایاتش مرسل است و این روایت هم مرسل نقل شده است یعنی طبرسی در سال ۵۵۸ هجری وفات نموده است و امام صادق(ع) در سال ۱۴۸ هجری اما در عین حال می گوید: روی القاسم بن معاویه قال قلت لابی عبدالله... پس روایات او عاری از سند است و او خود در اول کتابش به این اعتراف می نماید. ب- عده ای از علماء در اعتبار کتاب احتجاج تشکیک کرده اند و گفته اند محتمل است این کتاب به شش نفر منسوب باشد [۶]. ج- در کتاب رجال نامی از قاسم بن معاویه برده نشده است پس حال این راوی مجهول است بلکه در بین روایت شخصی بنام قاسم بن یزید بن معاویه است اما این شخص راوی روایت احتجاج نمی باشد. ثالثاً: آن چه شما گفته اید منافات با گفتار صدوق دارد چون صدوق ادخال شهادت ثلثه را در اذان به مفوضه استناد می دهد.

جواب نقد

در جواب نقد اول می گوئیم که شکی نیست پیامبر عظیم الشان اسلام واقف به عظمت ولایت بوده و به خاطر همین آن را از اول بعثت اعلام کرده است اما از آیات قرآن این نکته را استنباط می کنیم که آن حضرت در اعلام رسمی و گسترده آن ترس داشته است و شاهد ما لحن تند این آیه قرآن است که قبل از واقعه غدیر نازل شده که (یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک فان لم تفعل فما بلغت رسالتک). [۷]. آیا ترس پیامبر(ص) نسبت به مسائل کوچک و شخصی بوده است یا خوف این را داشته اند که با اعلام این نکته اساس اسلام و نهالی که برای رشد و شکوفایی آن همه زحمت کشیده شده در معرض خطر قرار خواهد گرفت؟ و این همان است که در آن ماجرا خداوند پیامبرش را این گونه مورد خطاب قرار می دهد که: (الیوم ینس الذین کفرو من دینکم فلا تخشوهم و اخشون). [۸]. و لذا بزرگانی چند عدم جعل شهادت به ولایت حضرت علی(ع) را در اذان و اقامه در این راستا ارزیابی می نمایند بلکه عقیده دارند که عدم تصریح به ولایت آن حضرت در قرآن هم به خاطر تقیه بوده است، همان طوری که در روایت هم بدان اشاره شده است [۹]. زیرا کنایه و عدم تصریح در عین زیبایی مضاعف هم وافی به مقصود است و هم موجب عدم تحریک معاندان در اسقاط آیات قرآن می گردد و همین عاملی در حفظ اسلام گشته است. و اما جواب نقد دوم: کسی از علماء از این گونه روایات به جزئیت شهادت ثلثه استدلال ننموده است [۱۰] و لذا از فقهای شیعه کمتر کسی پیدا می شود که گفته باشد شهادت ثلثه جزء اذان است منتهی از مجموع ادله ای که در نزد آنها بوده گفته اند که مستحب است شهادت ثلثه در اذان گفته شود اما نه به قصد جزئیت [۱۱] همان طوری که مستحب است بعد از شهادت به رسالت پیامبر(ص) گفته شود: "اللهم صل علی محمد و آله". علاوه روایاتی که این گونه اند اگر به اخبار تسامح در ادله سنن ضمیمه گردند می توانند مورد توجه قرار گیرند لذا از امام صادق(ع) روایت شده است که "من بلغه عن النبی(ص) شی من الثواب فعمله کان له اجرا ذلک و ان کان رسول الله لم یقله" [۱۲]. بلکه علمایی قائل به جزئیت یا وجوب شهادت ثلثه در اذان شده اند اما نه با اتکاء به این روایات ضعیف بلکه برای فتوای به وجوب خود دلیل اقامه کرده اند و این روایات را به عنوان یکی از مؤیدات ذکر نموده اند مثلاً صاحب کتاب الشهاده بالولایه فی الاذان، پیرامون روایت احتجاج می نویسد: صاحب احتجاج در این کتاب اسانید روایات را نیآورده است و لذا از جهت علمی فقیه نمی تواند به چنین روایاتی اعتماد کند و به استجاب فتوی دهد اما علمای ما به مفاد این روایات فتوی داده اند و این قاعده مورد پذیرش خیلی از علماء می باشد که عمل مشهور به روایت مرسله یا ضعیف، نقص سند آن روایت را جبران می کند. [۱۳]. و در

ادامه بحث در همان کتاب می‌گویند: الان شهادت ثالثه شعار شیعه شده است و لذا بعضی از بزرگان مثل مرحوم حکیم در کتاب مستمسک قائل به وجوب شهادت ثالثه در اذان می‌باشد به لحاظ این که این شعار مذهب شده است و ترک آن به مذهب ضرر می‌رساند [۱۴]. پس این احتمال قوی می‌نماید که بگوئیم شهادت ثالثه از زمان پیامبر (ص) در اذان داخل شده است و آن گاه که شیعه از تقیه خارج شد، رواج پیدا نمود و لذا نمی‌توانیم گفتار ذیل را درست ارزیابی نمائیم که: "شهادت ثالثه (داخل کردن اشهد ان علی ولی الله) از جمله کارهایی است که صفویه در اذان مرتکب شده اند و این همان است که بعضی از غلات سعی در تنفیذ آن در قرن چهارم هجری داشته اند اما علمای شیعه امامیه آن را به شدت مردود و بدعت حرام شمرده اند همان طور که صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه نقل نموده است. "بله می‌توانیم با گفتار ذیل موافق باشیم که: در زمان صفویه شیعه از تقیه خارج گشت و در پرتو درایت محقق کرکی در این زمان دو جمله اشهد ان علیا ولی الله و حی علی خیر العمل که در اثر حملات دشمنان کینه توز (بین سالهای ۵۲۸-۴۴۷) از بین مردم رخت بسته بود، احیاء گردید. [۱۵]. حال با این مقدمه به نقد اشکال سوم می‌پردازیم که خود حدیث مفصلی دارد. شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه گفته است: هَذَا هُوَ الْأَذَانُ الصَّحِيحُ لَا يُزَادُ فِيهِ وَلَا يُنْقَضُ مِنْهُ وَ الْمَفْوضَةُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ قَدْ وَضَعُوا أَخْبَارًا وَ زَادُوا فِي الْأَذَانِ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ خَيْرَ الْبَرِيَّةِ مَرَّتَيْنِ وَ فِي بَعْضِ رَوَايَاتِهِمْ بَعْدَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ مَرَّتَيْنِ وَ مِنْهُمْ مَنْ رَوَى بَدَلَ ذَلِكَ أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حَقًّا مَرَّتَيْنِ وَ لَا شَكَّ فِي أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ وَ أَنَّهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حَقًّا وَ أَنَّ مُحَمَّدًا وَ آلَهُ صَلَمَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ وَ لَكِنْ لَيْسَ ذَلِكَ فِي أَصْلِ الْأَذَانِ [۱۶]. ولی ما با توجه به عظمت و بزرگی شیخ صدوق، ملاحظاتی نسبت به این کلام داریم: اولاً- ایشان در تعریف مفوضه گفته اند که مفوضه فرقه گمراهی می‌باشند که می‌گویند: خدا پیامبر اسلام (ص) را خلق نموده است و خلق دنیا را بوی واگذار کرده است و بعضی هم گفته اند: بلکه این را به علی (ع) واگذار کرده است و اینها از معتزله و احزابشان می‌باشند که قائلند اعمال بندگان به خود آنها تفویض شده است. [۱۷]. در حالی که در جای دیگر می‌فرمایند: (ان الغلاة و المفوضه لعنهم الله ینکرون سهو النبی (ص) و یقولون لو جاز ان یسهو فی الصلاة لجاز ان یسهو فی التبلیغ لان الصلاة علیه فریضة کما ان التبلیغ علیه فریضة) [۱۸]. و لازمه حرف ایشان این است که همه آنهایی که به سهو النبی اعتقاد ندارند از غلات و مفوضه به شمار آیند در حالی که اگر این گونه باشد باید کل شیعیان به غیر از صدوق و استادش از مفوضه باشند چون شیعیان در طول تاریخ قائل به عدم سهو النبی بوده اند. [۱۹]. (انفوا عنا الربوبیه و قولوا فینا ما شئتم، یعنی از ما ربوبیت را نفی کنید و آنگاه هر فضیلتی را که می‌خواهید برای ما اثبات کنید) [۲۰]. حال با توجه به این مقدمه می‌توانیم بگوئیم شاید آنهایی که صدوق به آنها نسبت مفوضه داده است از این دسته بوده اند و لذا مناسب به نظر می‌رسید که ایشان اسامی آنها را ذکر می‌کرد تا محققین نسبت به این انتساب هم بحث می‌نموده اند همان طوری که درباره عده ای از منسوبین به غلو و تفویض بحث کرده اند و سلامت آنها را اثبات نموده اند. ثانیاً از بیان ایشان این نکته به دست می‌آید که ایشان با جزئیت شهادت ثالثه مخالف هستند زیرا مفوضه را که قائل به جزء بودن شهادت ثالثه در اذان بودند لعنت کرده و علاوه فرموده است: "لا- شک ان علی ولی الله... و لکن لیس ذلك من اصل الاذان" و اما قریب به اتفاق علمای شیعه قائل به جزئیات شهادت ثالثه در اذان نمی‌باشند. [۲۱] و تنها محبوبیت و رجحان شهادت ثالثه را در اذان اثبات می‌نمایند و این همان چیزی است که از کلام شیخ صدوق نفی آن استفاده نمی‌گردد، پس می‌توان گفت که طبق نظر شیخ صدوق اگر شهادت ثالثه در اذان بدون قصد جزئیت آورده شود رجحان دارد. ثالثاً: همین گفتار ایشان دلیل بر وجود روایاتی است که دال بر جزئیت شهادت ثالثه بوده اند و چون ایشان آنان را از جعلیات مفوضه می‌دانسته است از نقل آنان خودداری نموده است در حالی که (اعترافه بورودها روایه و رده لها درایه و الروایه لا تعارضها الدرایه) و اسلوب بحث و اجتهاد اقتضا می‌کرده است که ایشان در وهله اول آن احادیث را نقل و آنگاه با بیان اشکالات سند یا متن به صحت و سقم روایات حکم کنند اما این که از اساس چنین روایاتی را ذکر نکنند و از صفحه روزگار محو نمایند، روش علمی تلقی نمی‌گردد، و این بدان خاطر است که ممکن است متقدمین در سند یا دلالت روایاتی

اشکال کنند اما متأخرین آن مناقشه را نپذیرند. رابعا: شیخ صدوق گر چه حق بزرگی بر گردن شیعه دارد اما تجلیل از ایشان با خطا انگاشتن سخن ایشان منافاتی ندارد. او معصوم نبوده که گفتارش بر دیگران حجت باشد و لذا شیخ عبدالنبی عراقی در تعلیقه خود بر کلام شیخ صدوق می نویسد: کسی از امامیه نگفته است که از شرایط حجیت خبر عمل صدوق و عدم اعراض او می باشد پس به درستی که برای صدوق فتوای نادره ای است که احدی از فقهاء با ایشان موافقت نکرده است مثل مسأله سهو النبی و کنار گذاشتن اخباری که دلالت بر عدم سهو النبی دارند و وجوب حج در هر سال بر هر کسی که متمکن از آن است و جواز وضو و غسل با آب مضاف و پاک بودن خون اگر کمتر از یک نخود باشد و پاک بودن خمر و نجس نشدن آب قلیل به ملاقات با نجاست و... [۲۲]. خامسا: شیخ طوسی از این اخبار و احادیث به شواذ تعبیر آورده است و همین تعبیر خود حکایت از آن دارد که راوی این گونه روایات ثقه بوده اند منتهی شاذ و مخالف با آن چه مشهور روایت کرده اند، می باشند و این خود دلالت بر صحت این احادیث دارد اما فقهاء بدان عمل نکرده اند. [۲۳]. واگر به این قائده تسامح در ادله سنن اضافه گردد می تواند دلیل باشد که قول صدوق اگر عدم رجحان مطلق شهادت ثالثه و حکم به گمراهی قائل به رجحان مطلق باشد، وجهی ندارد سادسا: از کلام شیخ صدوق بر می آید که در قرن چهارم هجری که عصر ایشان بوده است شهادت ثالثه در اذان بوده است و آن زمان به عصر غیبت صغری و نواب اربعه نزدیک است و لذا می توان گفت که اگر شهادت ثالثه بدعت بوده باید در توقیعات صادره از حضرت حجت(ع) نهی ای نسبت به این وارد می شده همان طوری که نهی و تبری در باره اهل بدع و باطل مثل شلمغانی و... صادر شده است، در حالی که چنین چیزی از آن حضرت درباره شهادت ثالثه در اذان صادر نشده است.

نتیجه

نتیجه این که از لحاظ تاریخی این احتمال بسیار قوی است که اصل تشریح شهادت ثالثه در اذان در زمان پیامبر(ص) اتفاق افتاده اما روی جهاتی در آن زمان اعلام نشده است و این نه تنها مورد تأیید ادله خاصی است که بیان شد، به وسیله ادله عامه ولایت حضرت علی(ع) نیز تأیید می گردد ولی با این حال علمای شیعه می گویند چون اذان عبادت است و این احتمال وجود دارد که شهادت ثالثه جزء آن نباشد مستحب یا واجب است که آن را به جا آورند اما نه به قصد جزئیت و تفاوت اذان با سایر عبادات مثل نماز در این است که در بین اذان می توان حتی کلام بیهوده گفت چه برسد به کلام حقی اما نماز از چنین خصوصیتی بر خوردار نیست.

پاورقی

[۱] بحار الانوار جلد ۳۷ صفحه ۲۹۵ حدیث ۱۰ باب ۵۴- امالی صدوق مجلس ۸۸ ظاهرا این ندا برای اجابت کسانی بوده است که در عالم ذر وجود داشته اند. امام باقر(ع) در حدیثی فرمود: ان الله اخذ من بنی آدم من ظهورهم ذریتهم فقال الست ربکم و محمد رسولی و علی امیر المؤمنین قالو بلی. (الیقین لابن طاووس ص ۵۵، ۵۸، ۵۰).

[۲] بحار الانوار جلد ۲۷ صفحه ۱، جلد ۱ باب ۱.

[۳] بحار جلد ۳۸ صفحه ۳۱۸ و ۳۱۹ حدیث ۲۷ باب ۶۷ و جلد ۲۷ بحار صفحه ۸ جلد ۱۶ باب ۱۰ و همان باب ۱.

[۴] السلافه فی امر الخلفه، شیخ عبدالله مراغی از علمای اهل سنت که در قرن هفتم می زیسته است، کتاب ایشان از جمله کتب خطی است که در کتابخانه ظاهریه دمشق موجود می باشد.

[۵] الذخیره صفحه ۲۵۴- مرحوم نراقی در مستند الشیعه فی احکام الشریعه قول به حرمت ادخال شهادت ثالثه را نقل می کند که عده ای گفته اند چون کیفیت منقوله اذان از شهادت ثالثه خالی بوده پس مطلقا حرام است که شهادت ثالثه را در اذان داخل کنیم و آن گاه در جواب آن می گوید: در اذان توالی و عدم فصل شرط نیست و لذا کلام لغو هم در بین اذان حرام نیست پس چگونه می

توان گفت که ذکر کلام حق حرام است با این که عموماً می‌داریم که ذکر شهادت ثالثه را تأیید می‌نمایند.

[۶] صیانه القرآن من التحریف / محمد هادی معرفت ص ۲۳۱.

[۷] سوره مائده آیه ۶۷ با عنایت به این آیه قرآن عده ای فرموده اند که چون عدم اعلان ولایت حضرت علی (ع) معادل عدم تبلیغ رسالت قلمداد شده است پس باید لا اقل به استحباب شهادت ثالثه در کنار شهادت به رسالت قائل شد زیرا طبق این آیه قرآن اگر ولایت اعلان نگردد در واقع رسالت هم اعلان نشده است. ر.ک: فقهیات بین السنه والشیعه، عاطف سلام ص ۶۹-۶۲.

[۸] سوره مائده آیه ۳.

[۹] معلقات، آیت الله گرامی صفحه ۱۵۶-عده النجفیة فی شرح اللعنة الدمشقیة، کیفیة الاذان و...]

[۱۰] ان لم يستبعد الجزئیة العلامة المجلسی و صاحب کتاب الحدائق و الشیخ محمد حسین کاشف الغطاء، و آیت الله السید میرزا ابراهیم الاصلطهباناتی النجفی معتقد الجزئیة واقعا و لكن الظروف لم تساعد النبی علی اعلام الامة بها.

[۱۱] غنائم الايام، میرزا ابوالقاسم قمی ص ۱۷۰-بحار ج ۸۴ باب اذان و اقامه- حدائق الناظره کتاب الصلاه.

[۱۲] المحاسن جلد ۱ صفحه ۲۵ و روى نحوه الكلینی فی الکافی علی ما فی هامش مرآة العقول جلد ۲ صفحه ۱۰۶ باب من بلغه ثواب، تاریخ بغداد، خطیب جلد ۸ صفحه ۲۹۶ المناوی فی الفیض القدير جلد ۶ صفحه ۹۵.

[۱۳] الشهاده بالولاية فی الاذان، سید علی حسینی میلانی صفحه ۲۸.

[۱۴] همان صفحه ۴۳. در بعضی از تعبیرات آمده است: شکی نیست که ولایت معصومیه که اصل ولایت بعد ولایت الهیه می باشد، اساس فرایض اسلام است و شکی هم نیست که اعلام آن هم از شعائر الله می باشد و ظاهر کتاب و سنت و جوب حفظ شعائر است... علاوه اعلان این ولایت در مظانن محبوب اکید خداوند است و از اهم مظانن اذان و اقامه است چون اذان برای اعلان عمود دین است و ولایت بالاتر از نماز می باشد، علاوه روایت امام صادق (ع) در احتجاج به این شهادت امر می کند... پس احتیاط به ذکر ولایت ترک نشود و لو یک بار اما نه به قصد جزئیت. (ر.ک: معلقات جلد ۲ صفحه ۱۵۶).

[۱۵] رجوع شود به مجله مبلغان شماره ۲۴.

[۱۶] جلد ۱ کتاب الصلوه باب الاذان.

[۱۷] صفحه ۲۹۰.

[۱۸] صفحه ۳۵۹.

[۱۹] روضه المتقین جلد ۲ مرحوم مجلسی اول صفحه ۲۴۵.

[۲۰] ارشاد القلوب جلد ۲ صفحه ۴۲۷- و به همین مضمون است روایاتی که در منابع ذیل نقل شده است بحار جلد ۲۵ صفحه ۲۸۹- بحار جلد ۴۷ صفحه ۱۴۸-۸ کشف الغمه جلد ۲ صفحه ۱۹۷.

[۲۱] گر چه مفاد بعضی از روایات جزئیت است. موسوعه الفقه جلد ۹ کتاب الصلاه سید محمد شیرازی.

[۲۲] رساله الهدایه فی کون بالولاية فی الاذان والاقامه جزء کسائر الاجزاء صفحه ۳۹.

[۲۳] رساله الدرایه شهید ثانی صفحه ۱۳.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جاهدوا بأموالکم و أنفسکم فی سبیل الله ذلکم خیر لکم إن کنتم تعلمون (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید

بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۰۵۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

